

بزه‌دیدگان و خانواده

محمود اشرفی* - اعظم دهقان

مقدمه

مطالعات و تحقیقات در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی در جوامع رو به افزایش است و برای مهار کردن آن باید به بررسی و شناسایی علل و تلاش در جهت حل مسائل به صورت علمی و ریشه‌ای پرداخت.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های رشد و توسعه، بزه و بزه‌دیدگی خانواده است. متخصصان و کارشناسان، مددکاران، حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و... معتقدند برای ایمن‌سازی افراد جامعه و تقلیل آسیب‌های اجتماعی باید به بررسی علل و عواملی که به نوعی شرایط و موقعیت‌های بزه را فراهم می‌آورند شناسایی کرده و در نهایت راه‌کارهایی را برای اصلاح آن ارائه نمایند.

این مقاله سعی بر آن دارد تا بیشتر به بررسی علل و عوامل شرایط بزه‌دیدگی در خانواده بپردازد که از مهم‌ترین این شرایط یا عوامل: تحصیلات، شغل، سطح درآمد، سن، اختلافات، طلاق، فوت، اعتیاد و اختلالات روانی والدین و... است.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

بزه‌دیده: به کسی اطلاق می‌شود که توسط یک فرد بزه‌کار یا تحت شرایطی خاص مثلاً اختلال روانی والدین طلاق، تعارض‌های تربیتی، ضعف سیستم‌های حمایتی اجتماعی یا ضعف‌های شخصیتی خود، ستم بزه را متحمل می‌شود.

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

بزه دیده معادل انگلیسی Crimerietim است و در حقیقت نقطه مقابل بزه کار یا delinquency می باشد. بزه دیدگان قربانیان بزه کاری هستند و آلام و مصایب آن را تحمل می کنند.^۱

خانواده: خانواده عبارت از یک واحد اجتماعی است که از ازدواج زن و مرد به وجود می آید و فرزندان آنها کامل کننده آن خواهند بود. خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است هسته اصلی جامعه و پایه و مبنای هر اجتماع بزرگ بوده و از مهم ترین نهادهای اجتماعی در جامعه انسانی است.^۲

تاریخچه مختصر بزه دیده شناسی

مفاهیم اولیه بزه دیده شناسی نه به وسیله جرم شناسان و جامعه شناسان، بلکه توسط شعرا، نویسندگان و داستان سرایان بنا نهاده شد. داستان سرایانی که در میان آنها توماس دی کوینس، خلیل جبران، آلدس هاکسلی به چشم می خورند. اولین برخورد سیستماتیک با قربانیان بزه در سال ۱۹۴۸ در کتاب هانس فون هنتیک تحت عنوان «بزه کار و قربانی» او پدیدار شد. واژه بزه دیده شناسی در سال ۱۹۴۹ به وسیله یک روان پزشک آمریکایی به نام «فردریک ورتام» وضع شد و آن را در کتاب خود با عنوان «نمایش خشونت» به کار برد.

در خلال سالیان نخست بزه دیده شناسی، ادبیات قربانیان بزه در مقایسه با ادبیات جرم شناسی نسبتاً رشد کمی داشت، اما طی دهه ۸۰ سیر عظیمی از کتابها و مقالات ارزنده نشان از ظهور عصر بزه دیده شناسی داشت. از طرف داران شدید بزه دیده شناسی عمومی جهانی، رابرت الیاس دانشمند سیاست پیشه در دانشگاه سان فرانسیسکو است. در سالهای دهه ۱۹۷۰ مطالعات فردی قربانیان جرایم خاص تحت الشعاع مطالعات کلی بزه دیدگی قرار گرفت. در طی ۲۵ سال اخیر بزه شناسی دچار تغییر و تحول عمده ای شد. بزه دیده شناسی اولیه جنبه نظری داشت که کم کم با تحقیقات افرادی نظیر آلن برگر و لفگانگ، کورتیس، سیلورمن جنبه کاربردی پیدا کرد. نشست های بزه دیده شناسی آن را از یک نظام آکادمیک به یک جنبش انسانی و از تحقیق علمی به

۱. فراخوان مقاله اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راهکاری پشتوانه.

۲. هوشنگ شامبیانی، بزه کاری اطفال و نوجوانان، ص ۵۰.

عمل‌گرایی سیاسی تبدیل کرد چنان‌چه در نخستین کنفرانس ملی قربانیان بزه (تورتو ۱۹۸۵) جنبش بزه دیده صفت توسعه یافته دهه نامیده شد.^۱

خانواده و اهمیت آن

خانواده را مهم‌ترین نهادی دانسته‌اند که جامعه خود را تغذیه کرده و در سلامت و عدم سلامت، در شرافت و انحراف آن در سازگاری و نابهنجاری آن مؤثر است. محیط خانواده در تشکیل شخصیت انسان و تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان نقشی فوق‌العاده دارد. در ادیان مختلف خصوصاً اسلام، خانواده و تشکیل آن را برای حیات اجتماعی بسیار مهم است چنان‌که اسلام جوانان را به تشکیل خانواده و امر ازدواج تشویق می‌کند.^۲

بسیاری از جامعه‌شناسان همانند آگوست کنت، چارلز هروتن کولی خانواده را اولین و ایده‌آل‌ترین مثال برای گروه‌های نخستین و مهم‌ترین مرحله جامعه‌پذیری فرد می‌دانند.^۳

از نظر پارسونز، خانواده مؤسسه اجتماعی کردن نوجوانان به حد کمال است. آبراهام کاردین معتقد است خانواده در تکامل شخصیت اساسی افراد در یک جامعه بسیار مؤثر است.^۴

کارکردهای خانواده و افت آن

وظایف خانواده معاصر را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

۱. تولید نسل
۲. تعیین هویت اجتماعی
۳. اجتماعی کردن کودک
۴. استحکام شخصیت بزرگسالان
۵. کانون مهر و الفت
۶. مراقبت و نگهداری از فرزندان
۵. برخی جامعه‌شناسان مانند اگبرن و نیم کف عقیده دارند که رشد و توسعه تکنولوژی و صنعت در یک جامعه شرایطی را پدید می‌آورد که شکل و محتوای خانواده

۱. اسماعیل رحیمی‌نژاد، فصلنامه مفید، شماره ۱۸، مقاله بزه‌شناسی و بزه دیده‌شناسی.

۲. علی قائمی، کودک و خانواده ناسامان، ص ۳۶.

۳. منوچهر محسنی، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۳۰۰.

۴. خواجه‌گودری، مبانی جامعه‌شناسی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، ص ۱۰۶.

۵. نعمت‌الله تقوی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۶۹ (انتشارات پیام نور، ۱۳۷۴).

دست‌خوش دگرگونی می‌شوند و بخشی از وظایف خانواده‌های پیشین به نهادها و سازمان‌های اجتماعی دیگر واگذار می‌گردند که گذشته از رشد و توسعه تکنولوژی، گسترش سازمان‌های اجتماعی، توسعه شهری و شهرنشینی و... از موجباتی هستند که برخی از وظایف خانواده را از آن سلب می‌کنند و به خود تخصیص می‌دهند.^۱ باید حداقل نیازها در خانواده برای افراد تأمین شود به گفته "مزلو" نیازهای فیزیولوژیکی، امنیت، نظم و پایداری، تعلق پذیری و عشق، احترام و در نهایت نیاز خود شکوفایی از مهم‌ترین نیازهای بشری است که در خانواده تا حد زیادی به آنها پاسخ داده می‌شود.^۲

مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که در خانواده معاصر روی داده است عبارتند از:

۱. کاهش ابعاد خانواده ۲. افزایش سن ازدواج ۳. دگرگونی گرایش‌ها در مقابل طلاق
۴. بالا رفتن نسبت اشتغال زنان ۵. تحول ماهیت اجتماعی کردن فرزندان ۶. عدم گسترش نقش حمایتی خانواده ۷. تبدیل خانواده به یک واحد مصرفی ۸. آزادی بیشتر زنان ۹. گسترش وسایل پیش‌گیری از حاملگی ۱۰. محول شدن برخی وظایف خانواده به سایر نهادها.^۳

آندره میشل می‌گوید: کارکرد اجتماعی کردن فرزندان هم تضعیف شده؛ زیرا جوانان به طرز صحیح، اجتماعی نمی‌شوند و اشتغال پدر و مادر هر دو باعث می‌شود که والدین الگوی مناسب و منشأ قدرتی برای فرزندان نباشند.^۴

در نهایت مسائل ناشی از کاهش وقت‌گذاری و تعاملات بین اعضای خانواده با همدیگر و تفاوت در نگرش‌های ارزشی والدین و فرزندان، آسیب‌هایی را متوجه سلامت، اقتدار و کارکردهای اعضای خانواده کرده است که از آن جمله می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱. کاهش در الگوپذیری اعضای خانواده به خصوص نوجوانان و جوانان از میزان‌های مورد توجه والدین ۲. کاهش آرامش و آسایش روانی ۳. افزایش میزان ناسازگاری بین والدین ۴. تغییر در مناسبات و دوستی‌های متعارف در بین جوانان به دلیل کاهش نقش نظارتی خانواده ۵. عدم درک متقابل بین والدین و فرزندان ۶. تغییر در

۱. کیوان زنگنه، بررسی تأثیر بعضی عوامل نابسامان‌کننده خانواده در تربیت نوجوانان، ص ۲۷ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
۲. شولتر دوان و... نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۳۴۲.

۳. منوچهر محسنی، همان، ص ۳۱۷.
۴. خواجه‌گوردی، همان، ص ۱۰۸.

پای‌بندی اعضای خانواده به رسوم، فرهنگ و سنت‌های خانوادگی ۷. تغییر در نظام ارزشی والدین و فرزندان.^۱

زمینه‌ها و شرایط فرعی خانوادگی بزه‌دیدگی

کمبود و نارسایی در محبت، تبعیض در خانواده، کثرت فرزندان و یا تک فرزندی، بی‌بند و باری در روابط والدین، مهاجرت و محله مسکونی خانواده، ازدواج مجدد، زندگی با نامادری و ناپدیری و... می‌تواند فرزندان را در گرایش به بزه و بزه‌کاری هدایت نماید.

خانواده‌ای که در آن محبت کافی به کودکان عرضه نمی‌شود، خانواده‌ای نابسامان است و موجبات نارسایی در زمینه‌های رشد جسمانی و روانی و عاطفی و مخصوصاً اجتماعی آنان می‌شود. برخی تحقیقان نشان داده‌اند افرادی که در کودکی از محبت محروم بوده‌اند بعدها کارشان به واکنش‌های ضد اجتماعی کشیده شده است.^۲ افراط در محبت نیز می‌تواند زمینه‌های پرتوقمی، عصیان علیه پدر و مادر و عدم سازگاری با سایر افراد جامعه را برای فرزند در پی داشته باشد.

طرز از طرف خانواده می‌تواند کودکان را دچار آسیب و انحراف نماید. کودکی که مورد بی‌اعتنایی والدین یا خشونت و... قرار می‌گیرد، بیشتر در معرض آسیب و انحراف قرار دارد. بررسی‌ها نشان داده که در جهان غرب ۳/۱۳ درصد از پسران بزه‌کار و گرفتار در دارالتأدیب‌ها لااقل مرحله‌ای از عمر خود را مطرود بوده و یا در یتیم‌خانه یا مؤسسه‌ای غیرخانوادگی گذرانده بودند.^۳

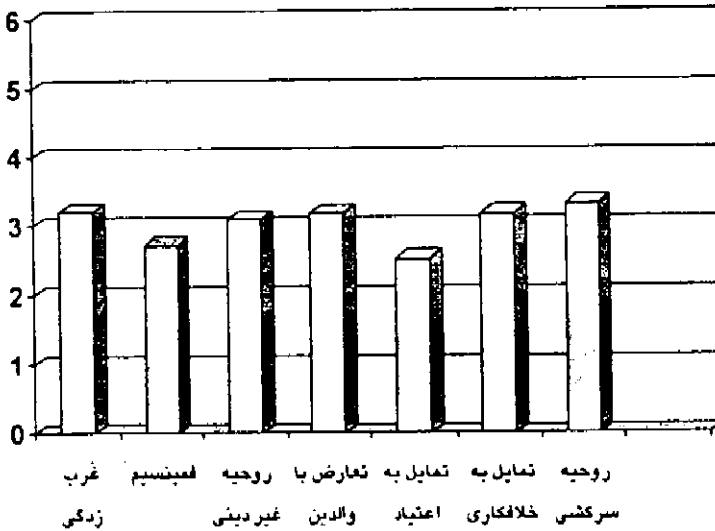
بی‌بند و باری در روابط، گفتار و کردار والدین، طرز برخورد‌ها و روابط آنها با یکدیگر، مراقبت‌ها در خواب و بستر، نوع بازی‌ها و وقت‌گذرانی‌ها، کنایات و اشارات و... همه برای فرزندان مهم است. پس برای جلوگیری از انحراف فرزندان در محیط خانواده، باید پدر و مادر در روابط خصوصی خود مراعات چنین مواردی را بنمایند. هم‌چنین محل خواب خود و فرزندان را جدا کنند. لازم است تا در مورد استحمام کودکان و نوازش آنان نکاتی را رعایت کنند و از پوشیدن لباس‌های زنده، جلف و بدن‌نما و شوخی‌ها و کنایات در حضور فرزندان خودداری کنند.

۱. غلامعباس رحمانی، بررسی برخی راهکارهای کاهش تضاد بین ارزشهای خانه و مدرسه، ص ۵۵-۵۷.

۲. علی قائمی، همان، ص ۷۵.

۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تابستان (۸۱).

۳. همان، ص ۱۰۰.



مقایسه نگرش جوانان مراکز استان‌های کشور

در بررسی از وضعیت و نگرش مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور دو نکته قابل تأمل است:

یکی این‌که نقاط منفی جوانان در مقیاس ۶ درجه‌ای مورد مطالعه در سطحی پایین‌تر از میانگین (با حداقل ۲/۵۱ و حداکثر ۳/۳۱) است. نکته دیگر این است که شدت روحیات و ویژگی‌های منفی در بین جوانان ما هشدار دهنده است و باید خطر گسترش آن را جدی گرفت.^۱

خانواده علی‌رغم مشکلاتی که دارد، منبع مهمی در ایجاد آرامش و امنیت برای فرزندان است، اما در مراکز استان‌های کشور کارکردهای خانواده دچار مشکلات جدی است. وقتی که ۲۵٪ خانواده‌ها جو ناآرامی داشته و ۵۴٪ خانواده‌ها به بهانه‌های مختلف جوانان خود را مورد سرزنش قرار می‌دهند و ۲۲٪ خانواده‌ها بین فرزندان‌شان تبعیض قائل می‌شوند و ۳۰٪ از خانواده‌ها در ارتباط با فرزندان کلمات ناشایست به کار می‌برند و به آنان اهانت می‌کنند و ۴۲٪ از خانواده‌ها نمی‌توانند از راه مسالمت‌آمیز مشکلاتشان را حل نمایند... طبیعی است که نهاد خانواده و روابط آن در سطح کشور دچار مشکل است و خانواده‌ها به آموزش و تغییر رفتار خود نیاز بیشتری دارند و این مشکل در خانواده‌ها حاکی از وجود یک آشفتگی پاتالوژیک در میان گروه‌های بزرگی از مردم است که به جای گفت‌وگو کردن با فرزندان، بحث و مشاجره و احیاناً به‌کارگیری

۱. وضعیت و نگرش مسائل نوجوانان ایران، ص ۵۸

شیوه‌های تنبیه بدنی را در پیش می‌گیرند که این مسئله عواقب ناگواری در ایجاد زمینه‌های بزه برای فرزندان و یا کل خانواده دارد.^۱

مقوله سرکشی با برخی از مشکلات در خانواده ارتباط تنگاتنگی دارد. در تحقیقاتی که در بررسی وضعیت جوانان در خانواده‌ها انجام گرفته فقدان آرامش و امنیت در خانواده (با ضریب ۰/۲۱-) پیش‌بینی کننده سرکشی جوانان است. فقدان ارتباطات مثبت در درون خانواده نیز (با ضریب ۰/۱۳-) می‌تواند سرکشی جوانان را پیش‌بینی کند. کم توجهی به ضرورت حفظ وحدت خانواده و گرایش به جدایی از همسر (با ضریب ۰/۱۴) وجود بی‌تفاوتی در خانواده و به حال خود رها کردن فرزندان (با ضریب ۰/۱۰) همگی از جمله عوامل پیش‌بینی کننده سرکشی جوانان هستند که در این زمینه توجه به اصلاح امور خانواده ضروری و قطعی است.^۲

هم‌چنین تعارض با والدین (۰/۲۹) غرب‌زدگی (۰/۰۶-) و اعتیاد (۰/۱۷-) می‌تواند باعث روابط غیردوستانه با والدین و بزرگسالان شود. در کنار آن ارتباطات مثبت درون خانواده (۰/۱۹) عملکرد دینی و ملی خانواده (۰/۱۵) وابستگی به خانواده (۰/۱۲) خانواده قدرتمند، با ابهت و پاسخ‌گو (۰/۱۱) و خانواده آسان‌گیر (۰/۰۶) از عوامل مهمی است که پیش‌بینی کننده تفاهم جوانان با والدین و بزرگ‌ترها است.^۳

خشونت خانوادگی و بزه‌دیدگی

خشونت، استفاده عمدی از نیرو با قدرت فیزیکی با تهدید یا تمایل بر روی خود یا دیگری یا بر یک گروه یا جامعه است که می‌تواند آسیب یا همواره با احتمال ایجاد جراحت، مرگ، آسیب روحی، اختلال رشد یا محرومیت‌های گوناگون باشد.

"براون" عوامل مهمی را در خشونت‌های خانوادگی مؤثر می‌داند از جمله مشکلات زناشویی، عدم درک صحیح زنان از موقعیت خود، افسردگی، مردسالاری، فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، انزوای اجتماعی و...^۴

اگر محیط خانواده بستر ایجاد خشونت و پرخاش‌گری باشد می‌تواند نقش قطعی در افزایش رفتار خشونت‌آمیز و بروز ظهور آن ایفا کند.^۵ به عقیده روان‌شناسان اجتماعی، عدم رضایت فرد از محیط و اطرافیان، ناراحتی‌ها و

۱. همان، ص ۶۱. ۲. همان، ص ۴۹۷. ۳. همان، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

۴. رویا بیک‌زاده، بررسی وضعیت خشونت علیه زنان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) ص ۱۸.

۵. شهلا اعزازی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۱.

عقد‌هایی که طفل از پدر و مادر و مدیر و معلم و مدرسه دارد سبب پیدایش این حالت و عقد‌ه تکانی در فرد می‌شود.^۱

بررسی‌ها و تحقیقات ثابت می‌کند که تأثیر خشونت خانوادگی بر قربانی، عامل خشونت و فرد ثالث است. تأثیر بر قربانی به صورت کاهش کارآیی در محیط کار، کاهش یادگیری و عدم توانایی در برقراری روابط اجتماعی است و زمینه‌ساز انواع اختلالات روانی و بیماری‌های روحی و روانی و در نهایت زمینه‌ساز رفتار انحرافی است.

تحقیق جدیدی در "لوس آنجلس و کالگاری" مشخص کرد افرادی که در کودکی مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند دو برابر دیگران در خطر ابتلا به مشکلات روانی از افسردگی تا هیجان‌زدگی هستند، میزان تمایل آنها به استفاده از مواد مخدر دو برابر بیشتر از دیگران است، اعتماد به نفس ندارند و در روابط صمیمانه با خود و دیگران متزلزل‌اند.^۲

خشونت و اعمال آن علاوه بر کودکان و یا زنان، متوجه افراد کهن‌سال در خانواده‌ها می‌شود. البته جنبش زنان و کودکان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی سهم مهمی در شناخت پدیده خشونت داشتند و افکار عمومی را متوجه آن ساختند.

تعدادی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعمال خشونت، رفتاری اکتسابی است و خشونت‌های خانگی که شخص در دوران کودکی به عنوان ناظران اولیه شاهد آنها بوده و یا خود قربانی آن خشونت شده است پیامدهای سوئی بر آینده وی می‌گذارد و شخص با یادگیری رفتار، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند؛ در واقع پدر و مادران خشن امروز، کودکان خشن دیروزی‌اند.

راه‌های اصلاح و کنترل پرخاش‌گری:

۱. دادن آگاهی به افراد ۲. آگاهی به زشتی امر ۳. رفع ناکامی ۴. ایجاد محیط مصمم
۵. ایجاد سرگرمی و اشتغال ۶. دور داشتن از جنجال‌ها و بدآموزی‌ها ۷. بها ندادن به لجبازی‌ها.

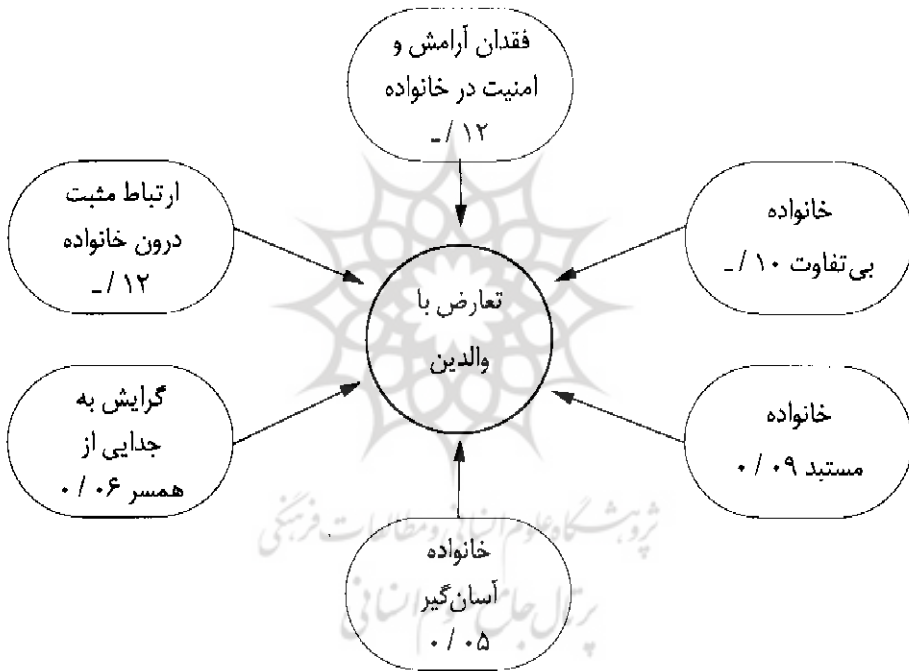
در تحقیقی که در زمینه بررسی وضعیت نگرش جوانان مراکز استان‌های کشور (سال ۸۱) نسبت به خشونت و پرخاش‌گری انجام گرفته، ۵۳٪ از آنان روحیه پرخاش‌گری دارند که این مسئله می‌تواند به سرکشی آنان بینجامد. هم‌چنین ۵۵٪ از آنان ویژگی‌های خشم‌نهفته و منفعل را دارند که این مسئله نیز در جای خود قابل تأمل است و باید بیشتر

۲. شهلا اعزازی، همان، ص ۲۱۱.

۱. علی قائمی، خانواده و دشواریهای رفتاری.

آنان را درک کرد. از نتایج تحقیق فوق می‌توان استنباط کرد که ۴۲٪ از جوانان بر سر نوع روابط با دوستانشان یا والدین خود اختلاف دارند و روابط غیردوستانه والدین با فرزندان و سوء تفاهم بین نسل گذشته و نسل حاضر در حدود $\frac{2}{5}$ از جوانان و والدینشان را در برمی‌گیرد.^۱

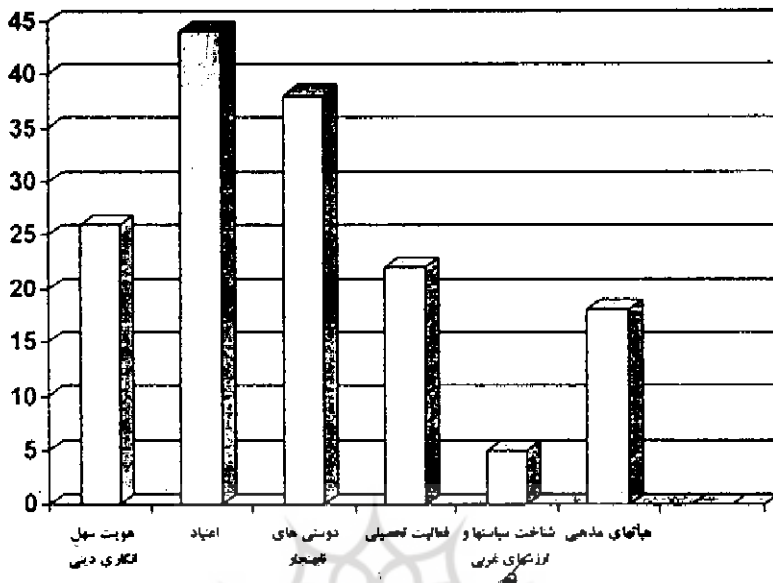
روحیه درون‌گرایی در ۶۰٪ از جوانان قوی‌تر از روحیه برون‌گرایی آنان است که این مسئله می‌تواند باعث ایجاد بیماری‌هایی چون افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاش‌گری در سطح بالایی شود. تعارض جوانان به والدین در خانواده‌هایی بیشتر دیده می‌شود که به نوعی دچار مشکلات درونی هستند.



در نمودار تحلیل دگر سونی فوق شاهد هستیم که فقدان آرامش و امنیت در خانواده با حداکثر ضریب ۱۲٪ و فقدان روابط جدی و سنجیده در خانواده (با ضریب ۵٪) از جمله عوامل پیش‌بینی‌کننده تعارض جوانان با والدین و اختلاف نسل‌ها در درون خانواده است.

۱. بررسی وضعیت نگرش مسائل جوانان ایران، ص ۹۱ و ۱۰۹.

نمودار دگر سونی سایر عوامل تأثیرگذار بر تعارضات خانوادگی



در نمودار فوق بالاترین عامل، یعنی اعتیاد و پایین ترین آن، یعنی شناخت سیاستها و ارزش های غربی در تعارضات خانوادگی نقش دارند.

کثرت فرزندان و سوء تربیت

خانواده های پرجمعیت غالباً از نظر اقتصادی در وضعی مناسب نیستند. سطح زندگی پایین و خانه از عدم امنیت کافی برخوردار نیست. چنین خانواده هایی اغلب بی برنامه اند و کمتر به فرزندان شان توجه می کنند.

کثرت فرزندان در یک خانه، شرایط و زمینه های آسیب های اجتماعی و انحراف را فراهم می سازد و آنان را از لحاظ روحی و روانی دچار پرخاشگری، گیجی، بداخلاقی و... می کند، چه بسا افراد به خاطر کمبود جا و مکان به ناچار در یک اتاق استراحت کنند. هم چنین در این گونه خانواده ها رقابت و حسادت و ناسازگاری برادران و خواهران بسیار است و نظارت و کنترل کامل بر فرزندان وجود ندارد. پدر و مادر به دلیل شرایط سنی فرزندان را درک نمی کنند، به نیازهای آنها آگاهی ندارند یا در برآورده کردن آن عاجزند و....

تبعیض و تفاوت های جنسیتی: تبعیض میان فرزندان، آنان را به فساد می کشاند، چرا که احساس حقارت خود سر منشأ بسیاری از نابسامانی ها است. کودکانی که در محیط

خانواده تبعیض را مشاهده می‌کنند در بعد اجتماعی نمی‌توانند افرادی عادی و بهنجار باشند. جامعه ما جامعه‌ای با سنت‌های قدیمی است که در آن معمولاً فرزند پسر مطلوب‌تر است، چراکه اعتقاد بر این است فرزندان پسر باعث تداوم نسل و مقوم اقتصاد خانواده‌اند. چنین نگرشی از طرف والدین زمینه‌های حقارت و عقده و تنفر و انزجار و... را در فرزندان فراهم می‌آورد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پدر و مادر از همان لحظه تولد نسبت به کودک دختر یا پسر تفاوت‌های رفتاری نشان می‌دهند. مشخصاً تفاوت‌ها در زمان آغوش گرفتن نوزاد و نحوه شیر دادن نوزاد است. هم‌چنین در تشویق و تنبیه، خرید اسباب بازی، آزادی‌ها فردی و اجتماعی و... تبعیض وجود دارد.^۱

بی‌اعتقادی والدین و بزه

اعتقادات از جمله عواملی است که رعایت نمودن اصول آن باعث کاهش ناهنجاری و در نتیجه کاهش انحرافات می‌شود.

آشنایی با مبانی دینی و پرورش ایمان قوی و راسخ باعث ایجاد فضایی در انسان‌ها از جمله فداکاری، تقوا، خلوص، پاک‌دامنی، خدمت به خلق و... و دوری جستن از اندیشه‌های غیر انسانی مثل ظلم و ستم و دروغ و... می‌شود. نتیجه این‌که پرورش مذهبی بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از انحرافات است.

امروزه انسان‌ها از لحاظ اعتقادی در سطح پایینی قرار دارند و مادیت‌گرایی بر زندگی آنها سایه افکننده است و این امر باعث ازدیاد جرم شده است.

«گلوک‌ها» معتقدند که افرادی که در انجام مراسم مذهبی خود پایدار هستند کمتر از دیگران به سوی انحراف گرایش دارند.

منتسکیو می‌گوید: مذهب یکی از مؤثرترین تأثیرات را بر سازمان زندگی جمعی دارد.^۲

«در بررسی‌هایی که در مورد وضعیت و نگرش مسائل جوانان مراکز استان‌های کشور (سال ۱۳۸۱) انجام گرفته،

۸۰٪ از پاسخ‌گویان به انجام تکالیف دینی و عبادات دینی توسط پدر و مادر خود جواب مثبت داده‌اند.

۱. شهلا اعزازی، همان، ص ۱۹۵.

۲. زهرا محققیان، بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی (پایان نامه کارشناسی ارشد) ص ۹۹.

هم چنین ۸۵٪ آنان به الگوهای ارائه شده توسط خانواده و تأثیر آن را خصوصاً در مسائل مذهبی و دینی و جلوگیری از انحراف و بزه مؤثر دانسته‌اند.^۱

«۸۴٪ از پاسخ‌گویان، مراسم مذهبی را باعث آرامش و سلامت روحی مردم می‌دانند و ۷۹٪ از آنان از اعتقادات والدین خود و بزرگ‌ترها پیروی می‌کنند.^۲

هویت سهل‌انگارانه و بی‌قیدی دینی توسط برخی خانواده‌ها نیز پیش‌بینی می‌شود. در واقع خانواده است که با عملکردهای غیردینی و غیرملی و با گرایش‌های جدایی طلبانه و با بی‌تفاوتی و آسان‌گیری و یا با استبداد عمل خود نسبت به فرزندان، پایه‌های بی‌قیدی و هویت غیردینی را در جوانان ایجاد می‌کند.

رابطه سطح درآمد والدین و بزه‌دیدگی

مشکلات مالی در روابط والدین با نوجوانان تأثیرگذار است، در خانواده‌هایی که دچار مضیقه مالی هستند حضور سرپرست خانواده در جمع خانوادگی کمتر شده و تماس با افراد به حداقل می‌رسد، افراد خانواده در وضعیت خسته یکدیگر را ملاقات کرده، فشار و خستگی، حوصله افراد و تحمل عقاید یکدیگر را کم می‌کند و درگیری‌ها و مشاجرات را دامن می‌زند.^۳

تحقیقی که در مورد علل فرار دختران در سال ۱۳۸۱ در شهر شیراز انجام گرفته نشان دهنده آن است که رابطه مستقیمی بین فقر اقتصادی و فرار دختران از خانواده‌ها وجود دارد.^۴

والدین فقیر در نزد فرزندان اعتبار و حیثیت خود را از دست داده در نتیجه کنترل و نظارت آن بر اعضای خانواده کاهش می‌یابد که این امر باعث ایجاد شرایط و زمینه انحراف است.

خست و لامت والدین نیز محدودیت‌هایی را برای فرزندان به وجود می‌آورند که این نیز معقول نیست. فقر باعث بی‌نظمی اقتصادی در خانواده شده که به دنبال آن فقر فرهنگی، و... به وجود می‌آید. افسردگی، عصبیت، انزواجویی، احساس حقارت، خراب‌کاری، انتقام‌گیری، سرخوردگی و... از عوارض فقر اقتصادی است.

البته رفاه زدگی نیز نقش مهمی در ایجاد بزه و بزه‌دیدگی دارد. والدین نسبت به

۱. بررسی وضعیت و نگرش مسائل جوانان ایران، ص ۶۵. ۲. همان، ص ۷۵.

۳. سید احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان، ص ۷۹.

۴. رقیه طاووسی، بررسی علل فرار دختران از خانه در سطح شیراز (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ص ۲۶۲.

فرزندان و یا فرزندان نسبت به پدر و مادر بی توجه هستند. تفنن، خوش‌گذرانی و لهو و لعب، آمد و شدها، معاشرت‌ها، ولگردی و... از عوارض رفاه‌زدگی است.

«در تحقیقی که نسبت به وضعیت اقتصادی جوانان مراکز استان‌ها انجام گرفت، ۸۹٪ جوانان در وضعیت اقتصادی نامناسبی به سر می‌برند که این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز نارضایتی‌های بزرگ‌تر و واکنش‌های نابهنگام و پیش‌بینی نشده را فراهم آورد و ۵۹٪ از آنان که در وضعیت اقتصادی پایین قرار دارند احساس نارضایتی کرده‌اند. ۵۷٪ از وضعیت نسبتاً پایین و ۶۱٪ از وضعیت نسبتاً بالا و ۶۵٪ از وضعیت بالا احساس نارضایتی کرده‌اند»^۱.

«درآمد ماهانه ۷۳٪ از خانواده‌های جوانان ۱۵۰ هزار تومان و کمتر است که نزدیک به خط فقر است، مسلماً جوانانی که خانواده‌هایشان چنین درآمدی دارند دچار کمبودهای بزرگ اقتصادی و اجتماعی هستند و تحلیل‌های پیشرفته‌تر آماری این پژوهش، نشان دهنده آن است که برخی از مشکلات روانی جوانان در رابطه مستقیم با کمبودهای معیشتی آنان است»^۲.

محل سکونت و تأثیر آن در بروز بزه و بزه‌کاری

شکل و نوع خانه مسکونی و محل قرارگیری آن در مناطق مختلف یک شهر تأثیر به‌سزایی در ایجاد بزه و بزه‌کاری دارد.

محیط اجتماعی و فرهنگی خانواده از یک طرف و محل استقرار منزل در نقاط مختلف شهر (محیط جغرافیایی) نقش مؤثر در بروز یا کاهش انحرافات اجتماعی دارند. در تحقیقی که در بین جوانان شهر اصفهان انجام گرفته به بررسی اثر مناطق شهری (پایین شهر و بالا شهر) در بروز بزه‌کاری اشاره شده است.^۳

در مورد مسکن خانوادگی باید ساکنان، وضع ظاهر، ارزش و طبع آنان را در نظر گرفت. «لافن و میشو» در شهر گرونوبل فرانسه دربارهٔ مسکن، محله، شهر و ناسازگاری نوجوانان همان شهر به مطالعه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بزه‌کاری نوجوانان و ناسازگاری آنان به‌طور یک‌تایع کلی است و اغلب آن را باید در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده و کوی کارگری مشاهده نمود»^۴.

۱. بررسی وضعیت و نگرش مسائل جوانان ایران، ص ۵۳.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. حمید زمانی‌فر، بررسی بزه‌کاری جوانان در شهر اصفهان، ص ۱۲۹.

۴. مهدی کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ص ۲۲۷.

«برجیس» بزه‌کاری نوجوانان را در شهرک ۱۲۰۰۰ نفری بررسی کرده است و دریافت که بزه‌کاری در یک ناحیه آن سه مرتبه بیشتر از ناحیه دیگر همان شهرک است، در ناحیه‌ای که سطح جنایی آن بالا است محیط‌های خانوادگی از نظر اخلاقی در سطح پستی قرار داشتند و از سوی دیگر سطح فرهنگی در آن جا خیلی پست‌تر بوده است. ایشان معتقد است کثرت جرایم در یک ناحیه ناشی از طبع خاص افرادی که در آن‌جا به سر می‌برند نیست، بلکه بعضی از شرایط خاص مسکن موجبات ازدیاد جرایم را فراهم می‌سازد.^۱

«ساترلند نیز در زمینه محل سکونت می‌نویسد: فقر اساساً عمل جرم‌زا نیست، ولی در محل‌هایی که اشخاص فقیر زیاد باشند سرقت‌های جزئی نسبتاً متداول می‌باشد و نقاط متروک و کثیف در افزایش جرم مؤثر است. هم‌چنین تعداد اطاق‌های منزل خصوصاً اطاق‌های تکی منشأ فساد و انحراف است.^۲ نوع خانه (آپارتمانی، ویلایی) نوع ساخت و محل سوکنت (پایین شهر، بالا شهر، شهرک و...) و... در فراهم سازی زمینه‌های بروز بزه و بزه‌دیدگی مؤثر است؛ برای مثال هر چقدر محیط خانواده مناسب پرورش و تربیت باشد، ولی محل استقرار خانه در محل نامناسب (محیط انحرافی) قرار داشته باشد افراد انواع بزه‌کاری را دیده و تجربه می‌کنند.

محیط مسکونی

والدین با انتخاب محل سکونت، اطرافیان اجتماعی خانواده خود را تعیین می‌کنند، اگر محیط مسکونی در منطقه‌ای باشد که بروز بزه‌کاری در آن فراوان است احتمال برخورد اعضای خانواده با این نمونه وجود دارد.^۳

عموماً در تأثیر مسکن در انحرافات باید به تعداد سکنه، محیط بهداشتی و تفریحی و روحیه افراد ساکن هر محل توجه کرد. غالباً در مناطق پرجمعیت و عاری از محیط بهداشتی و تفریحی احتمال وقوع جرایم بیشتر است. امروزه در تأثیر مسکن در انحرافات به نوع و اندازه مسکن توجه می‌کنند: «در تحقیقی که درباره تأثیر مسکن صورت گرفته نشان می‌دهد که ۹۰٪ کودکان ناسازگار از محیط خانه‌های کثیف و پست و اقامت‌گاه جمعی برخاسته‌اند و بقیه کودکان، یعنی ۱۰٪ دیگر به محیط‌های فقیر تعلق

۱. همان، ص ۲۴۳. ۲. مهدی خاکپور، جرم‌شناسی زنان ناسازگار، ص ۲۴۸.

۳. ناچ زمان دانش، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، ص ۲۶۱.

داشته‌اند».^۱ امام علی (ع) در مورد تأثیر محیط بر فرد می‌فرماید: «الناس بزمانهم اشبه بابائهم؛ شباهت مردم به محیط اجتماعی شان بیشتر از شباهت به صفات خانوادگی آنها می‌باشد» و هم‌چنین می‌فرماید: وقتی که محیط اجتماع آلوده شود سجایای اخلاقی و فضایل واقعی از رونق می‌افتد و... و برعکس رذایل و ناپاکی در بین مردم رایج و سودمند می‌شود».^۲

سطح تحصیلات والدین و بزه

میزان تحصیلات از شاخصه‌های مهم در طبقه اجتماعی افراد است، سطح تحصیلات والدین نقش اساسی در کاهش یا افزایش میزان بزه دارد. به عبارت دیگر شرایط و زمینه‌های بزه و بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد. چنین خانواده‌هایی در صورت بروز بزه با توجه به سطح و میزان آگاهی‌های خود آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند و بهترین راه‌های مقابله با آن را انتخاب می‌نمایند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که بی‌سوادی ریشه بسیاری از انحرافات است و یا لاقلاً در دامن زدن به انحراف نقش اساسی و فوق‌العاده دارد. در آمارهای جهانی بین سطح آموزش و آمادگی ارتکاب جرم نسبت معکوس قائلند و معتقدند بیشترین گروه از منحرفان جامعه بی‌سوادم هستند.^۳

با توجه به بی‌سوادی، کم‌سوادی و با سوادی با درجات آن میزان پذیرش بزه و انجام آن متفاوت است. اگر والدین تحصیل کرده باشند مسائل و مشکلات را بهتر برای فرزندان بازگو کرده و آنان را به عواقب شوم آن آگاه می‌سازند و فرزندان نیز با آمادگی بهتر و کامل‌تری با آن روبرو می‌شوند. امر و نهی والدین به فرزندان باید منطقی و همراه با دلایل روشن و به عبارتی توجیه‌پذیر باشد. چرا که اگر فرزندان آموزش‌های لازم را خوب فرا گرفته باشند اگر چه در شرایط و محیط انحرافی قرار بگیرند از ارتکاب به آن پرهیز می‌کنند. «تحقیقی که در مورد شرایط نامناسب خانوادگی و افزایش انحرافات اجتماعی انجام شده نشان دهنده آن است که شرایط خانوادگی نامناسب مثل بی‌سوادی پدر ۵۵٪ از پدران مجرمین را شامل می‌شود. هم‌چنین میزان بی‌سوادی مادران ۷۷٪/۲ را به خود اختصاص داده بود».^۴

۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲.

۱. مهدی‌کی‌نیا، همان، ص ۲۳۰.

۳. علی قائمی، آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، ص ۱۸۱.

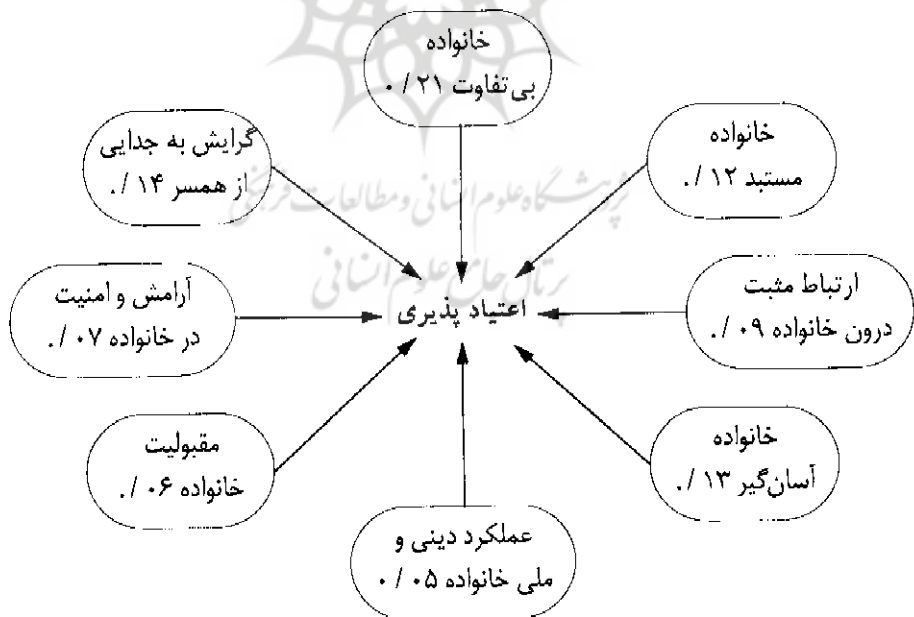
۴. زهره محققیان، بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی، ص ۲۷۴.

رابطه اعتیاد و بزه‌دیدی

اعتیاد معمولاً به حالتی اطلاق می‌شود که آدمی از نظر جسمی یا روانی خود را نیازمند به انجام رفتاری یا مصرف ماده‌ای بداند. اعتیاد تمام یا بعضی از افراد خانواده نیز می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رفتار بزه‌کاران اثر گذارد.

اساساً به لحاظ آمیزش و هم‌بستگی و علایقی که بین اعضای خانواده وجود دارد خواه ناخواه چنان‌چه بعضی از آنها دارای آلودگی‌هایی باشند به‌طور نسبی در سایرین نیز اثر گذاشته و احتمالاً باعث آلودگی آنها نیز خواهد شد و بر فرض که موجب آلودگی آنها نشود به احتمال زیاد آلودگی آنها وضع خانوادگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. ارتباط مستقیم و غیرمستقیم اعضای خانواده با مواد اعتیادآور زمینه اعتیاد آنان را آسان می‌کند.

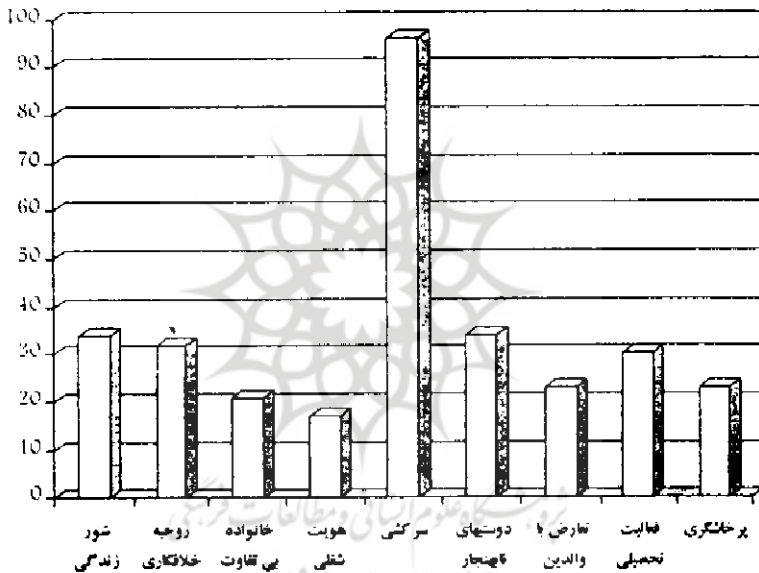
خانه معتاد، خانه‌ای سرد و بی‌رونق است، زن نسبت به شوهر و فرزندان اگرچه در کنار هم زندگی می‌کنند، ولی احساس بیگانگی از هم می‌کنند. فرد معتاد یا خانواده معتاد سرمشق‌های بدی را به فرزندان القا می‌کند و خطر افتادن آنان به جرم و ارتکاب آن را فراهم می‌سازند. تحقیقی در غرب نشان داده است که حدود ۲۵٪ از والدین الکلیک و معتاد بوده‌اند و تحقیقی دیگر نشان داده که فرزندان معتاد مستعد ارتکاب جرمند^۱.



۱. علی فاشمی، کودک و خانواده ناسامان، ص ۲۶۰.

در تحلیل فوق می‌توان گفت: خانواده‌های بی‌تفاوت با ضریب ۲۱٪ و خانواده‌هایی که با اندیشه و عمل خود این فکر را در جوانان القا می‌کنند که جدایی از همسر امری غیرعادی نیست (با ضریب ۱۴/۰) خانواده‌های آسان‌گیر که کنترلی بر فرزندان خود ندارند (با ضریب ۱۳/۰) و خانواده‌هایی مستبد که وجود و شخصیت مستقل فرزند را با زورگویی و فرماندهی نادیده می‌گیرند (با ضریب ۱۲/۰) زمینه‌های اعتیادپذیری جوانان را فراهم می‌آورند.^۱

از بین عوامل مختلف تأثیرگذار در اعتیادپذیری نوجوانان و جوانان و گسترش آن در سطح خانواده‌ها یا کل جامعه، اهم آنها را در نمودار زیر می‌توان مشاهده کرد:^۲



در تحقیقی که در ایرانشهر در مورد تأثیر محیط خانواده در میزان گرایش جوانان ۱۵- ۱۹ ساله انجام گرفته نشان داده که بین میزان گرایش جوانان به مصرف سیگار و چگونگی محیط خانوادگی آنها رابطه قوی و مستقیم وجود دارد، بدین معنا که هر چه قدر محیط خانواده مقبول‌تر و مطلوب‌تر باشد به همان نسبت کمتر در معرض ابتلای به سیگار قرار می‌گیرند، از طرفی دیگر عدم رضایت جوان از محیط خانوادگی عامل مهمی در گرایش جوانان به مصرف سیگار و اعتیاد به آن است.^۳

۱. بررسی وضعیت و نگرش مسائل جوانان ایران، ص ۴۷۶. ۲. همان، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۳. حمید رحیمی، بررسی عوامل مؤثر در گرایش به مصرف سیگار، ص ۱۶۶.

در نتایج یک تحقیق که در مورد علل گرایش به مواد مخدر آمده نشان‌گر آن است که بین میزان تفاهم با افراد خانواده و اعتیاد به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد.^۱

بررسی تأثیر از هم پاشیدگی کانون خانواده و بزه‌دیدگی

تزلزل یا از هم گسیختگی خانواده در رشد فرزندان و رفتار آنان مؤثر است، این تزلزل ممکن است در اثر مرگ پدر و مادر یا جدایی و طلاق صورت گیرد. وقتی کشمکش خانوادگی سبب جدایی پدر و مادر از یکدیگر می‌شود، فرزند احساس اعتماد و وفاداری به خانواده را از دست می‌دهد. در کشمکش‌های خانوادگی یکی از والدین ممکن است فرزند را آلت اجرای مقاصد خویش قرار دهد و او را علیه دیگری تحریک کند. تعارض در کانون خانواده، چه این تعارض میان خود والدین باشد یا این‌که بین والدین و فرزندان، از جمله عوامل جرم‌زا محسوب می‌شود.

«ورنه» در مقاله‌ای که در «مجله بین‌المللی حقوق کیفری» سال ۱۹۵۵ منتشر نمود یادآور شد که ۸۰٪ محکومان پیشینه‌دار، کانون خانوادگی والدین خود را از هم پاشیده یافته بودند.

«استفانی» درباره تعارض زوجین می‌نویسد: «تعارض زوجین مستقیماً یا غیرمستقیم منجر به بزه‌کاری می‌شود و فردی که تحت تأثیر تعارض قرار می‌گیرد به سوی جرایم گوناگون سوق داده می‌شود».^۲

تحقیقات «پولک» در مورد بزه‌کاران نوجوان مؤسسات مختلف تأدیبی لوس آنجلس به سال ۱۹۵۶ نشان می‌دهد که از ۴۳٪ تا ۵۸٪ این قبیل بزه‌کاران متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده هستند.

در شیکاگو مطالعه روی دختران بزه‌کار به عمل آمد و به این نتیجه رسیدند که ۶۶/۸٪ دختر بزه‌کار و ۴۴/۸٪ دخترانی که در سنین تحصیل دبستانی بوده‌اند متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند، یعنی نسبت مزبور بیش از ۱/۴۹ در برابر ۱ بوده است و این نسبت نشان می‌دهد که از هم پاشیدگی کانون خانواده روی دختران انعکاس شدیدتری دارد.

نتیجه تحقیقات مرکز «وو کرسون» نشان می‌دهد که ۴۵٪ تبهکاران متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند.^۳

۱. صدیقه سرگزی، بررسی علل اعتیاد به مواد مخدر، ص ۳.

۲. مهدی‌کی‌نیا، همان، ص ۲۶.

۳. افسدس پارسا، علل و عوامل اجتماعی بزه‌کاری زنان (پایان نامه کارشناسی ارشد)، ص ۱۳.

تحقیق گلوئیک‌ها درباره اثرات از هم پاشیدگی خانواده در بزه‌کاری نشان داد که حدود ۶۰/۴ درصد نوجوانان متعلق به خانواده‌هایی بودند که در اثر مرگ و میر والدین یا طلاق از هم پاشیده شد، در مقابل ۳۴/۲ درصد نوجوانان بزه نکرده متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند.^۱

شرایط و زمینه‌های تعارضات خانوادگی ناشی از طلاق (طلاق والدین و همسر) فوت (والدین یا همسر) وجود ناپدری و نامادری و وجود خواهر و برادر ناتنی و... در ایجاد بزه مؤثر است.

مسئله ناپدری و نامادری از جمله مسائلی است که در محرومیت عاطفی فرزندان مؤثر است و زیان‌هایی از نظر اخلاقی و تربیتی بر آنان وارد می‌شود. ازدواج مجدد از مواردی است که زمینه‌ساز نامنی و ناسازگاری و افسردگی و اضطراب در خانواده می‌شود که این فشارها ابتدا بر طرفین، سپس بر فرزندان وارد می‌آید.

جدایی و طلاق زوجین سبب پیدایش و بروز عوارضی است که از آن جمله می‌توان به دست به دست شدن کودک که زمانی نزد پدر، زمانی دیگر در دست مادر، عمو، دایی و... اشاره کرد. از طرفی کودک برای پیدا کردن پناهگاهی مناسب سرگردان است و بی‌تجربگی و وجود افراد نامناسب در محیط زندگی او زمینه انحراف را فراهم می‌آورند. ظلم و تعدی‌هایی که نسبت به کودک اعمال می‌گردد او را فردی انتقام‌گیر و کینه‌ای بار می‌آورد و زمینه استعداد کافی برای ارتکاب جرم را پیدا می‌کنند.

مرگ پدر یا مادر یا هر دو می‌تواند در ایجاد رفتار بزه‌کارانه مؤثر باشد. تحقیقات آسیب‌شناسان اجتماعی نشان داده است که اغلب کودکان پدر از دست داده یا سر از جرم در آوردند یا مرتع سوء استفاده دیگران قرار گرفته و منحرف شدند. پدر نقش سرپرستی و کنترل کودک را بر عهده دارد در صورت فقدان آن، مادر می‌تواند تصور ذهنی مناسبی برای کودک از وظایف و مسئولیت‌های مردانه پدید آورد.

فقدان پدر یا مادر کودک را دچار اختلال روانی، حالت خشم و کینه و خصومت، گوشه‌گیری، خیال‌بافی و طغیان‌گر می‌سازد که ممکن است سر از جرم و لغزش و انحراف در آورد و زمینه بزه‌کاری در او ایجاد شود.

۱. زهرا محققیان، همان، ص ۲۸.

رابطه سن افراد با بزه و بزه دیدگی

نوع میزان انحرافات در گروه‌های سنی متفاوت است. سن به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر فراوانی در نوع جرایم دارد. «ساترلند» پس از تحقیقاتی که به عمل آورد اعلام نمود که بیشترین تعداد جرایم مربوط به دوران جوانی و یا قبل از آن است.

«کنله» در سال ۱۸۳۱ برای نخستین بار با مقایسه آمار منحرفان و انواع جرایم در فرانسه ازدیاد بزه‌کاری را در سنین جوانی و تقلیل آن را در پیری تأیید نمود.

دوره کودکی: در دوران کودکی و طفولیت چون طفل از لحاظ قوای جسمانی و روانی ضعیف است نیاز به مراقبت بیشتر دارد و... به همین دلیل کمتر مرتکب جرم می‌شود، ولی باید این نکته را در نظر داشت آنان در برابر مفاسد اجتماعی حساس‌تر از بزرگسالان هستند.

دوره نوجوانی: (۱۲ - ۱۸ سالگی) دوره‌ای است که فرد با هیجانات و تحولات جسمی و روانی روبرو است که این مسئله زمینه بزه را برای افراد مهیا می‌سازد. دوره جوانی از ۱۸ تا ۲۵ سالگی است که دوران بحران و تغییر عقاید مذهبی و ایدئولوژیکی است و چه بسا که اندیشه و عقاید جوانان با عقاید والدینشان متفاوت باشند و این خود عامل ستیز در میان جوانان است.

دوره بزرگسالی و پیری: این دوران با ضعف جسمی شروع می‌شود به همین دلیل سالمندان نیاز به استراحت دارند. در این مرحله به دلیل کمبود نیروی بدنی میزان جرایم کاهش می‌یابد.

به طور کلی دوران نوجوانی و جوانی دوران جدایی عاطفی است، آنان دوست دارند از محیط خانواده دور شوند تا با افراد مختلف، گروه‌های گوناگون و فرهنگ‌های متفاوت آشنا شوند و انس بگیرند. البته محیط ناسامان خانواده این روند را تشدید می‌کند. تفاوت سن والدین با یکدیگر و فرزندان فاصله بین آنان را زیاد می‌کند و همین مسئله باعث محرومیت عاطفی و اخلاقی فرزندان شده و زمینه بروز انحراف را در آنان مساعد می‌کند. باید توجه داشت فرزندان در هر مرحله از زندگی‌شان که قرار می‌گیرند نیازهای خاصی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی دینی و... دارند که باید برآورده شود، در غیر این صورت از راه‌های دیگر یا افراد دیگر این نیازها برطرف می‌گردد. از سوی دیگر تفاوت سن والدین نیز زمینه اختلافات خانوادگی را تشدید می‌کند که این مسئله ساز انواع بزه و بزه‌کاری را برای فرزندان و یا حتی والدین مهیا می‌سازد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

۱. خانواده به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در سلامت و عدم سلامت، شرافت و انحراف و... اعضای آن مؤثر است که دارای کارکردهای مثبت تولید نسل، تعیین هویت اجتماعی، اجتماعی کردن فرزندان و استحکام شخصیت بزرگسالان و کانون الفت و مهر است.

۲. رشد و توسعه علم و تکنولوژی و صنعت در جوامع فعلی شکل و محتوی و کارکرد خانواده‌ها را دست‌خوش تغییر و تحول کرده است که این مسئله در جای خود قابل تأمل است.

۳. برخی عوامل تأثیرگذار بر خانواده‌ها (در کنار کارکردهای مثبت) همانند طلاق، فوت، اعتیاد، اختلالات روانی، رسته‌های گروهی یا جمعی، نوع تحصیلات والدین، شغل والدین، سطح درآمد، سن والدین و... توانسته تغییر و تحولاتی را در نوع رفتار و کردار اعضا (پدر و مادر و فرزندان) داشته باشد که میزان تأثیر هر یک از عوامل یاد شده متفاوت است و علاوه بر این که عامل ایجاد بزه و بزه‌کاری در افراد می‌گردد شرایط و زمینه‌های آن را در سایر اعضا فراهم می‌آورد.

۴. بین بزه‌دیده و بزه‌کاری تفاوت است. بزه‌کاری در مقابل بزه‌دیده قرار می‌گیرد، بزه‌دیده توسط یک فرد بزه‌کار یا تحت شرایطی خاص ستم و بزه را متحمل می‌شود.

۵. جدایی والدین یا طلاق همسر و غیبت‌های طولانی یکی از والدین در خانواده اثرات سوئی را بر سایر افراد خصوصاً فرزندان وارد می‌سازد با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده طلاق زوجین باعث نابسامانی خانواده شده که به دنبال آن زمینه ساز انحراف یا بزه در فرزندان است و تجربه چنین زندگی و یا مشاهده و تأثیر از آن، بزه‌دیدگی را افزایش داده و زمینه بزه‌کاری شاهدان این واقع را افزایش می‌دهد چنانچه تحقیقات نشان می‌دهد بین ۵۰٪ تا ۸۰٪ افراد بزه‌کار از خانواده‌های از هم پاشیده هستند.

۶. تحقیقات آسیب‌شناسان اجتماعی نشان داده است که اغلب کودکانی که پدر و مادرشان را از دست داده‌اند سر از جرم در آورده یا مرتع سوء استفاده دیگران قرار گرفته و منحرف شدند.

۷. بررسی محققان آسیب‌شناسی نشان داده و اثبات کرده است که حاصل اعتیاد والدین سردی کانون خانواده، سستی پیوند عاطفی، ویرانی کانون و عوارض ناشی از تبهکاری و آلودگی والدین، بدآموزی و تقلید ناروا، احساس شرمساری، نابسامانی زندگی، انحراف و سر در آوردن از جرم است.

۸. ازدواج مجدد والدین و زندگی کودک با ناپدری و نامادری، زمینه‌های عصیان و پرخاش‌گری، حسادت، تبعیض و... را در خانواده فراهم می‌آورد و می‌تواند عامل لغزش و انحراف و یا مستعدکننده جرم و لغزش باشد.

۹. خانواده می‌تواند بستری مناسب برای افزایش بروز خشونت و پرخاش‌گری باشد که به عقیده روان‌شناسان عدم رضایت فرد از محیط و اطرافیان و عقده‌های فرد و... جزء عوامل مؤثر خشونت می‌باشد. جامعه‌شناسان عواملی هم‌چون مشکلات زناشویی، عدم درک صحیح زن و مرد از موقعیت‌شان، مردسالاری و آداب و رسوم را در بروز خشونت مؤثر می‌دانند که در نتیجه تأثیراتی در ابتدا برای فرد فاعل گذاشته، سپس بر قربانی به صورت کاهش کارآیی در محیط کار، کاهش یادگیری، عدم توانایی در برقراری ارتباط اجتماعی، بیماری‌های روانی و در نهایت زمینه‌ساز رفتار انحرافی است.

۱۰. بررسی‌ها نشان داده که بی‌سوادی ریشه در بسیاری از انحرافات اجتماعی دارد. سطح تحصیلات والدین، میزان آگاهی‌های آنان، تربیت فرزندان و بالاخره محیط فرهنگی خانواده در کاهش یا افزایش بزه و بزه دیدگی فرزندان در خانواده مؤثر است. عموماً فرزندی که پدر و مادر خویش را بی‌سواد یا کم‌سواد می‌بیند خودش و خانواده را در مرتبه پایین اجتماعی حس می‌کند و... اینها زمینه مساعد را برای روی آوردن فرد به اشخاص هنجارشکن و ارتکاب وی به خلاف را فراهم می‌کند.

۱۱. بخشی از نابسامانی‌ها ناشی از محیط نامناسب زندگی است، منطقه‌ها و اماکن در مواردی ممکن است جرم خیز و گرفتارکننده باشد. در محیطی که فقر اخلاقی است، در منطقه‌ای که جرم پرور است، اعتیاد و می‌خوارگی، گناه و انحراف است، چگونه فرزندان می‌توانند وضع و حالت عادی داشته باشند.

۱۲. فقر و رفاه زدگی هر دو عامل بزه و بزه‌کاری در افراد خصوصاً فرزندان است. افراط در تأمین نیازمندی‌های کودک او را فردی نازپرورده و گرفتار پدید می‌آورد و کار و بیکاری والدین، خستگی ناشی از کار والدین از عوامل مساعد و زمینه ساز بزه دیدگی است.

۱۳. در نوع رابطه والدین و اعضای خانواده باید احتیاط کرد، چه بسیار بدآموزی‌ها و انحرافات و لغزش‌ها نشأت گرفته از روابط خصوصی زوجین و عملکرد آزادانه آنان در حضور فرزندان است. باید در استحمام، نوازش، نظافت و... فرزندان، رعایت لازم و کافی به عمل آید.

توصیه‌ها:

۱. مهم‌ترین قدم در فرآیند تعلیم و تربیت، آشنا کردن پدران و مادران به اصول و روش‌های برقراری روابط آنان با فرزندان است و آشنایی دقیق‌تر آنان با روان‌شناسی نوجوانان یک ضرورت اساسی است.
۲. والدین به فرزندان خود احترام بگذارند، آنان صحبت نمایند به سخنان آنان گوش دهند و آنان را با واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و مذهبی آشنا سازند.
۳. نظارت بیشتر خانواده‌ها بر امور مختلف فرزندان از جمله: وضعیت تحصیلی، اخلاق و انضباط، دوستان، رفت و آمد آنان، دخل و خرج، گذراندن اوقات فراغت، برقراری ارتباط مستمر بین مدارس با خانواده و... باشد.
۴. بالا بردن سطح تحصیلات والدین، تشویق و ترغیب آنان به ادامه تحصیل، از طریق کلاس‌های شبانه مربوط به بزرگسالان و نهضت‌های سوادآموزی.
۵. در گذشته اختلاف میان دو نسل در یک خانواده محسوس نبود، اما در زمان حاضر پیشرفت صنعت و تکنولوژی سبب شده که اختلاف میان دو نسل عمیق‌تر شود که لازم است والدین با علم و آگاهی بیشتر با این مسئله روبرو شوند.
۶. در محیط خانواده بحث از پسر و دختر نباشد، زشتی و زیبایی، خوش‌زبانی، کندی زبان، سلامت یا نقص نباید عامل تبعیض باشد. پدر و مادر امانتدار خداوند هستند.
۷. ازدواج مجدد والدین و رویاروی شدن فرزندان با ناپدیری و نامادری زمینه ساز بزه و بزه‌دیدگی فرزندان است. سعی شود از فراهم کردن چنین شرایط و زمینه‌هایی پرهیز شود.
۸. باید دقت کافی و وافی در انتخاب محیط زندگی و محل سکونت خانواده صورت گیرد.
۹. در دخل و خرج خانواده باید نظارت کامل صورت گیرد.
۱۰. محل خواب و استراحت فرزندان از پدر و مادر باید جدا باشد و مراقبت‌های لازم در این خصوص انجام شود.
۱۱. خانواده باید محل امنیت و آرامش و سکون برای فرزندان و اعضای آن باشد، نه محل رفتارهای خصمانه، خشونت‌آمیز، غیردوستانه و....

منابع

الف) کتاب

۱. نهج البلاغه.
۲. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور، اسفند ۱۳۶۸.
۳. ادیبی، حسین و دیگران، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه، چاپ اول، ۱۳۵۸.
۴. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۵. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۶. ستوده، هدایت‌اله، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۰.
۷. شامیاتی، هوشنگ، بزه کاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۷۰.
۸. شولتز، دوان...، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر هما، ۱۳۷۷.
۹. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و سبزه‌های خانواده و طلاق، انتشارات منصوری، چاپ اول، مهر ۱۳۷۲.
۱۰. قائمی، علی، آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، انتشارات امیری، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۴.
۱۱. _____، ترس و اضطراب در کودکان، انتشارات امیری، آذرماه ۱۳۶۸.
۱۲. _____، کودک و خانواده ناسامان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، بهار ۱۳۶۶.
۱۳. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه رضا فاضل و...، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۱۴. کی‌نیا، مهدی، جرم‌شناسی، تهران: مجتمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۷۴.
۱۵. له تان خوبی، جوانان استثمار شده، ترجمه امان‌اله ترجمان، انتشارات پر شکوه، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰.
۱۶. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات دوران، تابستان ۱۳۷۶.
۱۷. وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران، سازمان ملی جوانان ایران، دیماه ۱۳۸۱.

ب) پایان نامه

۱. بیگ‌زاده، رؤیا، بررسی وضعیت خشونت علیه زنان در شهر تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۸۱.
۲. پارسا، اقدس، علل و عوامل اجتماعی بزه کاری زنان (زندان اصفهان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۷۸.
۳. زنگنه، کیوان، بررسی تأثیر بعضی از عوامل ناسامان کننده خانواده در تربیت نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، اسفند ۱۳۸۱.
۴. زمانی فر، حمید، بررسی بزهکاری جوانان در شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۷۴.
۵. طاووسی، رقیه، بررسی علل فرار دختران از خانه در سطح شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۸۱.
۶. نویدی نژاد، ناهید، تأثیر تعصبات والدین بر فعالیتهای اجتماعی دانش‌آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۷۸.
۷. محققیان، زهرا، بررسی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۱۳۷۸.

د) مجلات

فصلنامه مفید، شماره ۱۸.